

وضعیت ترجمه آثار ادبی در ایران

انگیزه مترجم ادبی در انتخاب اثر چیست؟ چرا برخی از ناشران ترجمه‌های «فلاپی» چاپ می‌کنند؟ علت رشد نکردن نقد ترجمه ادبی چیست؟ پرسشهای بسیاری در ذهنم بود که جای بحث داشت. گشودن باب چنین بحثی را شایسته دیدم با ناشران شروع کنم. چهار ناشر در این گشایش، پیشقدم شدند: نشر نو، نشر مرکز، نشر نی، و انتشارات توس. با آنکه در این مقاله به بررسی مسائل مهم و ملموس ترجمه ادبی در ایران پرداخته می‌شود، کمیته برگزارکننده «کنفرانس بررسی مسائل ترجمه» دانشگاه تبریز - مهرماه ۱۳۶۹ - از ایراد آن در قالب سخنرانی‌ای که خود تأیید کرده بود، مانع شد.

ترجمه ادبی در ایران وضع آشفته‌ای دارد. برای یافتن علل، آشفته‌گی ترجمه ادبی را به عنوان یک ناهنجار ادبی در نظر می‌آوریم که باید به مثابه یک پدیده اجتماعی بررسی شود. چه عواملی در ایجاد این ناهنجار دخیل‌اند؟ و کدام عوامل مسوول رفع این ناهنجار هستند؟

ترجمه ادبی را اگر مرکز یک مثلث فرض کنیم، ناشر، مترجم، و خواننده سه رأس این مثلث را تشکیل می‌دهند و این مثلث، در کل، تحت پوشش وزارت ارشاد اسلامی است. ناشر و مترجم از لحاظی در مقابل خواننده قرار می‌گیرند. ناشر و مترجم، تولیدکننده می‌شوند و خواننده، مصرف‌کننده انفعالی. بنا بر این ناشر و مترجم، مروج ترجمه‌های ادبی در اجتماع به حساب می‌آیند. ابتدا به نقش مترجم می‌پردازیم:

مترجم ادبی، از انتخاب اثر تا تحویل ترجمه اثر به ناشر، نقش اصلی خود را ایفا می‌کند. در انتخاب اثر کدام عوامل مؤثرند؟ این عوامل را می‌توان شامل عوامل بیرونی و درونی که ارتباطی تنگاتنگ و تفکیک‌ناپذیر با هم دارند، دانست. عمده‌ترین عامل بیرونی، اقتصاد است. عامل اقتصاد، به دلیل عدم تطابق با مقدار تلاش یک مترجم در ترجمه اثر ادبی، تبدیل به یکی از علل آشفتگی می‌شود. مترجم، هنگام انتخاب اثر، غالباً از خود می‌پرسد: «آیا این اثر فروش خواهد رفت؟» در واقع، باید پرسد: «در این اثر تا چه حد روشنگری وجود دارد؟» اما اقتصاد ناسالم، اغلب بر تعهد غالب می‌شود و در نهایت فرهنگ را به خود وابسته می‌سازد. گاه مترجم، اثری را ترجمه می‌کند که در انتخاب آن، هم تعهد اجتماعی‌اش را در مقام یک مترجم ادبی نادیده می‌گیرد و هم عامل اقتصاد را؛ ترجمه اثر مارسل پروست بیشتر می‌تواند با انگیزه شخصی مترجم آغاز یافته باشد تا بر حسب تعهد یا عامل تیراژ. در ترجمه رمان «کارمندان» بالزاک، تعهد اجتماعی - و حتی عامل اقتصاد - می‌تواند بیشتر در نظر باشد تا در ترجمه «در جستجوی زمان از دست رفته» پروست. شیوه معرفی پروست، چون شیوه معرفی سارتر در دهه‌های اخیر، کج است. خواننده ایرانی هنوز هم نمی‌داند که سارتر چه می‌خواسته بگوید و اگزیستانسیالیسم چیست. حق هم دارد که نداند؛ راه رسیدن به مغز اندیشه سارتر، از متفکران اگزیستانسیالیست چون هایدگر و یاسپرس می‌گذرد و راه شناخت افکار فلسفی پروست از برگسون عبور می‌کند. ما دیر شروع کرده‌ایم و زود می‌خواهیم جلو بزنیم. این شتاب برای چیست؟ «جریان سیال ذهن» فاکتر رواج می‌یابد، تا بدان حد که به تقلید در می‌آید. اگر نوشتن برای نوشتن است، «جریان سیال ذهن» محکوم نیست. اما اگر «نوشتن برای مردم» است، این مردم حرفهای فاکتر را نمی‌فهمند. و حق هم دارند؛ ما خواننده را از قرن هیجدهم پرانده‌ایم، چشم او را به روی قرن نوزدهم پوشانده‌ایم. مترجم ادبی اگر برای تبریئه خویش، در گریز از انتخابهای مطلوب، عامل اقتصاد را سپر سازد، محکوم خواهد بود. زیرا تیراژ ترجمه‌های رمان‌نالیستی در ایران، چون آثار چارلز دیکنز و اونوره دوبلزاک، بسی بیشتر از داستانهای نامانوس مغرب زمین است: اوژنی گراند به چاپ هفتم و هشتم می‌رسد و یا تیراژ ترجمه باباگوریو با ترجمه فارسی - پس از چند دهه به صد هزار نسخه نزدیک می‌شود. بنابراین، پس

از دهه جنگ و انقلاب، از مترجم ادبی که رواج دهنده است، انتظار تعهد اجتماعی بیشتری می‌رود؛ هرچند که هرگز شایسته نیست برای مترجم تعیین تکلیف کنیم.

ناشر نیز از خود می‌پرسد: «فروش دارد؟» پس عمدتاً به مترجم نگاه می‌کند و به نویسنده. و رواج دهنده‌ای دیگر، منفعل اقتصاد می‌شود. این واژه، خواه‌ناخواه، بر کار مترجم اثری مخرب می‌گذارد. ولی در ترجمه آثار نویسندگانی چون دیکنز، بالزاک، زولا، هاردی، جورج الیوت و... این ناشر نیست که از چاپ سر باز می‌زند، بلکه مترجم است که برای چاپ این آثار به ناشر کمتر سر می‌زند.

غالباً یکی از اشکالات کار ناشران داستانهای خارجی در ایران، کمبود آگاهیهای ناشر از بارزترین مسائل داستان‌نویسی جهان است. آوردن نمونه‌ای همچون نمونه زیر کافی خواهد بود: مترجم کتاب «گفتاری در باره نقد» - چاپ انتشارات امیرکبیر (پس از انقلاب) - در بخش توضیحات صفحه ۱۸۱، در باره بالزاک می‌نویسد: «از معروفترین رمان‌های او «کمدی انسانی» La Comédie Humaine می‌باشد.» از مترجمی که در باره نقد ترجمه می‌کند، انتظار نمی‌رود کمدی انسانی بالزاک را یک رمان به حساب آورد. غالباً نمی‌دانند که کمدی انسانی مجموعه دهها رمان، داستان کوتاه، حکایت و آثار تحلیلی است و حتی ترجمه قابل نقد آن به فارسی، به زحمت از ۲۰ درصد فراتر می‌رود.

از خواننده، که رأس سوم مثلث است، از خواننده‌ای که در تورم و گرانی، هرامه چند صد تومان از درآمدش را صرف خرید رمان می‌کند، چه انتظاری می‌توان داشت؟ او همواره آماده خواندن بوده.

یکی دیگر از علل مهم آشفتگی وضع ترجمه ادبی در ایران - و ترجمه در مفهوم کل آن - نبود برخورد قانونی و حرفه‌ای با ناهنجاری‌های ترجمه است. این علت، معلولهای مخربی در پی دارد: رواج ترجمه‌های شیادانه یا قلابی، رواج ترجمه‌های مکرر زائد، سرگردانی خواننده در انتخاب ترجمه‌های خوب و قابل اعتماد، بحث و تبادل نظر سالم میان مترجمان، پامال شدن حقوق مالی و اجتماعی مترجم و... دو عامل (تشکیل اتحادیه مترجمان و توجه بیشتر و جدی‌تر وزارت ارشاد اسلامی) در ترکیبی مطلوب با هم می‌توانند علتی مطلوب پدید آورند که این علت، معلولهای فرهنگساز را جایگزین معلولهای مخرب کند.

۱- به نظر شما استقبال مردم از «کمدی انسانی» بالزاک چگونه بوده است؟

نشر نو: «قابل توجه بوده است.»

انتشارات توس: «با توجه به تیراژ و نوبت چاپ کتاب می‌توان فهمید که چگونه بوده

است.»

نشر نی: «نمی‌دانم.»

نشر مرکز: «به نظر می‌رسد انتخاب آثار یادشده به علت معاصر بودن آنها بوده است

در حالی که سایر کتابها و مکاتبی که گفته‌اید متعلق به دوره‌های گذشته بوده‌اند.»

۲- بسیاری از شاهکارهای ادبیات فرانسه، که در حد فهم اکثریت هستند، هنوز به

فارسی برگردانده نشده‌اند؛ اما کتابی مثل «ادبیات چیست» سارتر، سالهاست ترجمه شده و

در حد فهم عده‌ای خاص است. به نظر شما علت این نبوده که مترجمان ادبی ما دید درستی

از حد فهم کتابخوانان اجتماعشان نداشته‌اند؟

نشر نو: «اگر «ادبیات چیست» با اقبال آن عده خاص مواجه نمی‌شد، می‌توانستیم

بپذیریم که «مترجمان ادبی ما، دید درستی از حد فهم کتابخوانان اجتماعشان نداشته‌اند» ولی

این کتاب در زمانی منتشر شد که کتابخوانان جدی جامعه را همان عده خاص تشکیل

می‌دادند. بنابراین باید گفت مترجمان ادبی ما دید درستی از حد فهم کتابخوانان اجتماعشان

داشته‌اند و بلکه درصد ارتقا و معطوف داشتن فهم و توجه کتابخوانان جامعه خود به کتابها و

مباحث جدی‌تر ادبی نیز بوده‌اند.»

انتشارات توس: «خوانندگان کمتر در انتخاب کتاب آزادی عمل دارند، این مترجمان

و ناشران هستند که کتابی را به جامعه می‌شناسانند. بدیهی است گاهی استقبال مردم نیز

نامحسوس است.»

نشر مرکز: «در مورد پرسشهای ۱ تا ۴ به نظر می‌رسد انتخاب آثار یادشده به علت

معاصر بودن آنها بوده است در حالی که سایر کتابها و مکاتبی که گفته‌اید متعلق به دوره‌های

گذشته بوده‌اند.»

نشر نی: «به نظر می‌رسد مسائل مطروحه در یک دید ریشه‌ای‌تر به مسائل اجتماعی و

فرهنگ عمومی ما برمی‌گردد. در ایران سطح تولید کتاب به تبع سطح کتابخوانی آقدر نازل

است که کار کردن مترجم، مؤلف و ناشر به طور تخصصی و برنامه‌ریزی شده امکان ندارد.

بنابراین حجم عمده کتابهایی که تألیف، ترجمه و چاپ می‌شوند به صورتی تصادفی که ناشی از

علاق شخصی و فرصتها و امکانات هر گروه از دست اندرکاران است انتخاب می‌شوند. و وقتی

از یک موضع شامل و رفیع برنامه‌ریزی وجود نداشته باشد کاستی‌های فراوان و نیز کارهای

مکرر به چشم می‌خورد. در نتیجه ممکن است کاری که بسیار ضروری است بماند و کاری غیر ضروری - صرف نظر از قضاوت درباره ضرورت یا عدم ضرورت آن - بارها چاپ شود.»

۳- به نظر شما چرا «اگزستانسالیسم» سارتر را ظاهراً بیشتر از «رنالیسم» بالزاک شناخته‌اند؟

نشر نو: «اصلاً تردید دارم که هر دو را به خوبی و در حد وسیع شناخته باشند.»
انتشارات توس: «برای اینکه چند مترجم سرشناس کارهای سارتر را نشر دادند.»
نشر مرکز: «انتخاب آثار یادشده به علت معاصر بودن آنها بوده است در حالی که سایر کتابها و مکانبی که گفته‌اید متعلق به دوره‌های گذشته بوده‌اند.»

نشر نی: [«همان پاسخ سؤال ۲: به نظر می‌رسد مسائل مطروحه در یک دید...»]
۴- چرا «خشم و هیاهو» ی فاکتر که فهم آن بسیار دشوار است، مکرراً ترجمه و چند بار چاپ می‌شود، اما چندین رمان رئالیستی دیکنز ترجمه نشده باقی می‌مانند؟»
نشر نو: «تکرار ترجمه‌های خشم و هیاهو که اکثراً در یک سطح نیز هستند شاید به خاطر ارضاء غریزه فضل فروشی بوده باشد. و اما در مورد بقیه آثار دیکنز که ترجمه نشده‌اند، می‌گویند که کارهای طراز اول وی به فارسی ترجمه شده است و در مورد بقیه به نسبت ضرورت زیادی برای ترجمه به فارسی احساس نمی‌شود.»

انتشارات توس: «به پاسخهای ۲ و ۳ رجوع شود: [خوانندگان کمتر در انتخاب... و برای اینکه چند مترجم سرشناس...]

نشر مرکز: [همان پاسخ سؤال ۳: انتخاب آثار یادشده به علت معاصر بودن آنها بوده...]

نشر نی: [همان پاسخ سؤال ۳: به نظر می‌رسد مسائل مطروحه در یک دید ریشه‌ای‌تر به مسائل اجتماعی...]

۵- دهها کتاب، با بهترین امکانات چاپ، درباره حافظ و فردوسی منتشر می‌شود. اما ما حتی یک کتاب نداریم که اختصاصاً درباره «رنالیسم» یا «تاریخ رمان» صحبت کند. چرا؟

نشر نو: «اولاً فردوسی و حافظ و... حتی شعرای به مراتب کم‌اهمیت‌تر ایرانی «مال خودمان» هستند و هر چه در مورد آثار و افکار ایشان بحث و گفتگو شود جایز و بلکه ضروری است. البته منکر کمبود جدی در مورد قسمت دوم سؤال نمی‌توان شد. شاید علت این کمبود عدم توجه و اعتنای مترجمان و مؤلفان و ناشران به مسئله بوده باشد.»

انتشارات توس: «این دو مقوله جدا از هم می‌باشد، بدیهی است فردوسی و سعدی برای

اکثر خانواده‌های ایرانی و فارسی زبان شناخته شده و جزو مفاخر این مرزوبوم هستند و باید چاپهای مکرر و به صورتهای گونه‌گون از دیوانهای آنان نشر یابد و اصولاً این مقایسه‌درستی نیست که این متون را فرضاً با «رنالیسم» یا «تاریخ رمان» مقایسه کرد. این دو موضوع اخیر مطلبی جدید و فرنگی است و بیشتر مختص عده‌ای معدود روشنفکر و طبقه‌ای از دانشجویان می‌باشد.»

نشر مرکز: «چون بازار دارد، و تا حدودی هم استقبال خریدار از چاپ لوکس این گونه کتابها برای حفظ قدرت خرید در شرایط تورمی است. و در کنار آن باید عنایت فرمائید که آثار گونه و شکسپیر و امثالهم هم در کشورهای زادگاه آنان پیوسته و در اشکال گوناگون به چاپ می‌رسند.»

نشر نی: «علتهای زیادی دارد، مهمترینش این است که حافظ و فردوسی مخاطبان وسیعی در این کشور دارند و در بسیاری از خانه‌ها دیوان این دو شاعر پیدا می‌شود. ما حتی یک رمان نداریم که به اندازه حافظ چاپ شده باشد. مثلاً مقایسه کنید کارهای شکسپیر را با پرفروش‌ترین رمان. کدام بیشتر چاپ شده است؟»

مسئله دیگر اینکه آدمهائی که در این باره بنویسند و ترجمه کنند - به طور جدی و درست - کم داریم. تازه کسانی هم که پیدا شوند و این کار را بکنند باید فی سبیل الله چنین کاری را به پایان برند چون تعداد خریداران و درآمد ناشی از انتشار یک کتاب تاریخ رمان بسیار نازل است.»

۶- کدام مرجع، مسؤول جلوگیری از چاپ و نشر ترجمه‌های «قلابی» است؟

نشر نو: «برای جلوگیری از چاپ و نشر ترجمه‌های قلابی فعلاً مرجعی وجود ندارد و اصولاً معیار برای قلابی تشخیص دادن یک ترجمه چیست؟ بسیاری از مترجمان هم در ترجمه آثار سهل‌انگاری و اشتباه فاحش به خرج می‌دهند.»

انتشارات توس: «ظاهراً باید وزارت ارشاد باشد، باید تأملی بر نام این وزارتخانه کرد.»

نشر مرکز: «درک خواننده و کمک ناقدان.»

نشر نی: «بهترین مرجع مسؤول جلوگیری از نشر ترجمه‌های «قلابی» ارتقاء سطح فرهنگ و دانش کتابخوانان است. وقتی یک کتاب را نخریدند دیگر کسی آن را چاپ نخواهد کرد. برای ارتقاء فرهنگی کتابخوانان نقد خوب مفید است. فعلاً راه درازی در پیش است، شما می‌بینید هنوز پرفروش‌ترین کتابهای ما همان کتابهای «قلابی» است؛ سینه‌ه، غرش طوفان،... و از این قبیل.»

۷- چگونه می‌توان از ترجمه‌های مکرر جلوگیری کرد؟

نشر نو: «با تصفیۀ ناشران اینگونه آثار توسط افراد و هیأت‌های فرهنگی ذیصلاحیت و نه زنگیان مست.»

انتشارات توس: «باید مرکزی با مسؤلیت فردی باسواد و علاقمند به کار کتاب تشکیل یابد و در آن از نویسندگان و مترجمان و ناشران نیز حضور و شرکت داشته باشند؛ هر کتابی که برای ترجمه آماده می‌شود، وقتی قراردادش با ناشر بسته شد در آن دفتر ثبت و زمان خاتمه ترجمه و چاپ کتاب نیز قید شود. البته اگر ترجمه‌های خوبی از یک اثر نشر یابد نه تنها عیبی ندارد بلکه مفید هم هست، ضرر در ترجمه‌های قلابی است.»

نشر مرکز: «هر ترجمه مکرری، منفی و زائد نیست و گاهی ترجمه مکرر برابر تجدیدچاپ یک اثر است. اما اگر منظورتان فقط ترجمه مکرر و زائد است، می‌توان با اطلاع رسانی (کتابنامه‌ها و...) قدری آن را تعدیل کرد. و در خارج از ایران کپی‌رایت هم به این امر کمک می‌کند.»

نشر نی: «همه ترجمه‌های مکرر بد نیستند. جایی لازم است از یک کتاب خوب که ترجمه مناسبی ندارد، ترجمه خوبی صورت گیرد. ولی منشاء اساسی ترجمه‌های مکرر عدم اطلاع است. تازه قسمت عمده کارهای مکرر به چاپ نمی‌رسد. شما باید ناشر باشید تا بدانید در سال چند ترجمه دریافت می‌کنید که تکرار کارهای چاپ‌شده است و آن را قبول نمی‌کنید. صحبت‌هایی بوده است که یک بانک اطلاعات در این باره دایر شود، اما عملی شدن آن بعید است. ایجاد بانک اطلاعاتی در این زمینه مزایا و معایبی دارد که باید به طور کامل بررسی شود و مرجع ذیصلاحی متصدی آن شود و سالها کار کند تا کم کم مورد اطمینان همگان - مؤلفان و مترجمان - شود و کارآیی پیدا کند.»

۸- چرا در مطبوعات ایران، نقدی از ترجمه‌های ادبی چاپ نمی‌شود؟

انتشارات توس: «برای اینکه اینگونه کارها باید در نشریه‌های اختصاصی انجام شود و افرادی علاقمند داشته باشد، ظاهراً تا به حال ضروری ندیده‌اند که کسی بدان نپرداخته؟»
نشر مرکز: «می‌شود اما کم. کمبودش به دلیل قلت منتقد و به خصوص ناقد حرفه‌ای است.»

نشر نی: «در این سرزمین همین نقدهایی هم که می‌شود بیشتر از ۵۰٪ نقد سیاسی و تراز خرده‌حساب‌های شخصی است. اساساً نقد شرایط خاصی برای برخورد سالم لازم دارد، به

خصوص در زمینه ادبیات و هنر که میزانهای مشخصی برای آن در اذهان عموم مردم وجود ندارد و به این لحاظ می‌بینیم در مطبوعات ما مثلاً در مورد یک فیلم دو یا چندین نقد چاپ می‌شود که یا آن را کاملاً تحطئه می‌کنند یا کاملاً تایید می‌کنند. بنابراین معلوم است که این نقد نیست بلکه غرض است که در قالب نقد ارائه شده است.»

۹- راننده‌های تاکسی در ایران اتحادیه دارند، مترجمان ندارند. نظرتان چیست؟

نشر نو: «تأسیس اتحادیه‌های حرفه‌ای از اهل قلم بسیار بجا و ضروری است.»

انتشارات توس: «اتحادیه رانندگان تاکسی و یا نظایر آن ضروری به جایی ندارد ولی اتحادیه مترجمان ممکن است باعث دردسر خودشان گردد؛ این بر می‌گردد به کانون نویسندگان که باید فقط در راستای منافع صنفی خود کوشش و تلاش نماید.»

نشر مرکز: «باید تشکیل دهند، البته همراه مؤلفان.»

نشر نی: «به دلیل اینکه رانندگان تاکسی تعداد زیادی آدم هستند که از راه تاکسیرانی ارتزاق می‌کنند و ما به تعداد رانندگان تاکسی مترجم نداریم که از راه ترجمه ارتزاق کنند. و به عبارتی مردم ما آنقدر که سوار تاکسی و اتوبوس می‌شوند اگر کتاب می‌خوانند اوضاعی متفاوت با وضع فعلی داشتیم.»

۱۰- از نظر شما، مهمترین مشکل کنونی در ترجمه آثار ادبی چیست؟ چه راه‌حلی

پیشنهاد می‌کنید؟

انتشارات توس: «اگر هر موقع کلیه موانع راه نشر برداشته شد یعنی نویسنده، مترجم بدون دغدغه خاطر و خودسانسوری کتابی را انتخاب و ترجمه کرد و ناشر هم چنین نمود، و در بازار مواد اولیه چاپ هم فراوان شد ضرورت‌های بعدی که شما در این ماده آوردید به دنبال خواهد آمد.»

نشر مرکز: «کمبود مترجم صاحب صلاحیت.»

نشر نی: «مهمترین مشکل نبودن با کمبود مترجم خوب است و مترجم خوب آثار ادبی کسی است که هم فارسی خوب بداند و هم زبان خارجی خوب بداند. هم خودش نویسنده و ادیب باشد و نیز صاحب سبک و سیاقی و به طور منظم و در یک رشته خوب کار کند و چنین کسانی به ندرت یافت می‌شوند.»

۱۱- پس از انقلاب، بهترین رمان ترجمه شده به فارسی، از لحاظ کیفیت ترجمه،

کدام است؟

انتشارات توس: «شاید در این دو ساله اخیر بتوان گفت آقای ابوالحسن نجفی با ترجمه کتاب تیبو»، ولی این دوره دوازده ساله تعمق و بررسی بیشتری را طلب می کند.»
نشر مرکز: «طرف خانه سوان و خانواده تیبو.»

۱۲- بهترین مترجم / مترجمان ادبی معاصر در ایران کیست؟ (حداکثر سه مترجم).

نشر نو: «آقای عبدالله توکل، آقای ابوالحسن نجفی.»

انتشارات توس: «ابوالحسن نجفی، جلال ستاری، محمد قاضی.»

نشر مرکز: «مهدی سبحانی، ابوالحسن نجفی، منوچهر بدیعی، رضا سیدحسینی.»

۱۳- ناشری که شیادانه کتاب چاپ می کند، چه نقشی در پیشبرد فرهنگ ایران

ایفا می کند؟

نشر نو: «نقش منفی و بازدارنده: الف) کلاهبرداری از مترجم و ناشر اصیل ب) ترویج ترجمه های قلابی به خاطر ارزانتر تمام شدن و ارزانتر فروختن کتاب و در نتیجه از دور خارج کردن ترجمه اصیل ج) تضعیف و تخریب زبان فارسی در ذهن خوانندگان اینگونه ترجمه ها د) گریزان کردن مردم از نویسندگان بزرگ.»

انتشارات توس: «در جامعه ای که نقد و تحلیل از آثار نباشد و سگ را نیسته باشند چنین اوضاع بلیشویی پیش خواهد آمد و اینگونه به اصطلاح ناشران میدان پیدا خواهند کرد.»
نشر مرکز: «به سهم خودش نقش دارد و فعلاً مثبت است و در کشورهای دیگر هم ناشران هم سطح نیستند و ایضاً خوانندگان.»

۱۴- آیا شما با تعیین جایزه ای ادبی برای بهترین ترجمه ادبی سال، از طرف چند مجله ادبی و ناشران موافق هستید؟ پیشنهادتان چیست؟

نشر نو: «کاملاً موافقم. هر مجله و نهادی می تواند برای بهترین ترجمه ادبی و اصولاً بهترین کتاب ضوابطی معین و جایزه ای برقرار بدارد.»
انتشارات توس: «کاملاً موافقم و حاضرم نسبت به سهم خود در این کار تلاش و سرمایه گذاری کنم.»

نشر مرکز: «بله و از طریق تشکل های ناشران، نویسندگان و مترجمان و ناقدان.»
نشر نی: «جایزه ادبی بسیار خوب است، هر کس، دولت، مجله، ناشر با هر نیتی این کار را بکند مایه تشویق گروهی می شود و در پیشرفت سطح فرهنگ و معارف ملت مفید است.»